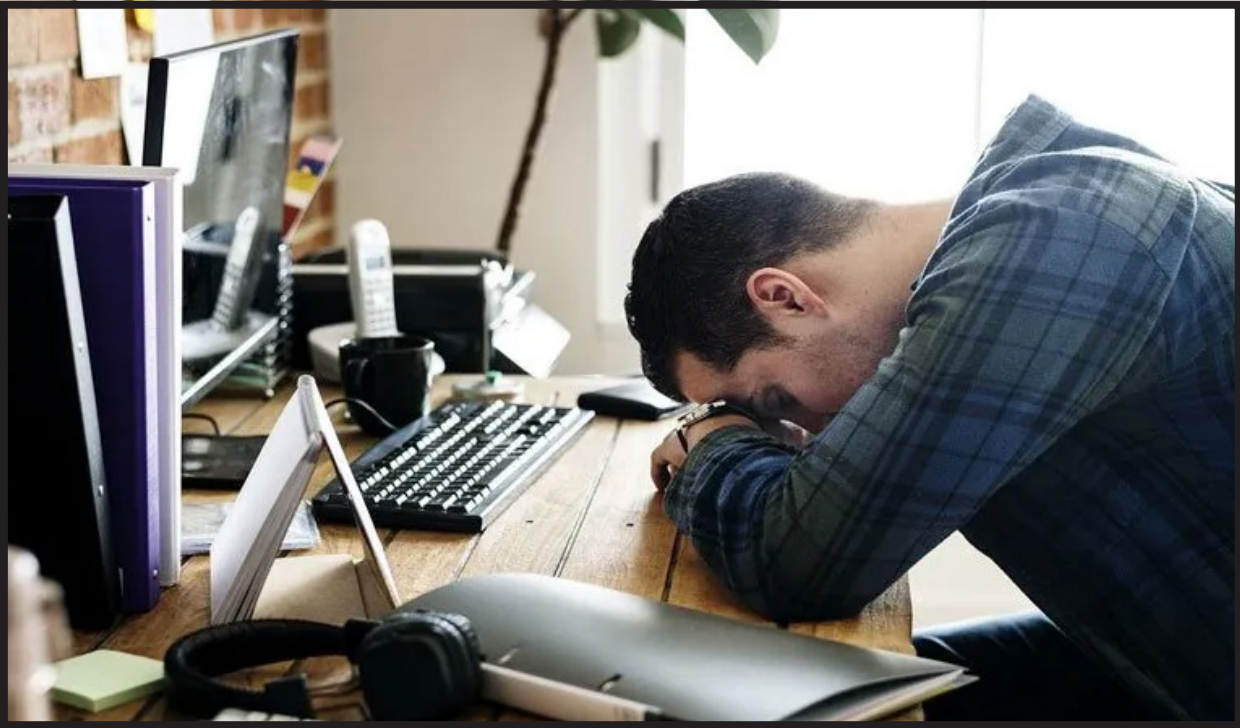


بحران خاموش دورکاری در بازار کار انگلیس

داده‌های تازه نشان می‌دهد کاهش شدید مشاغل دورکار در بریتانیا می‌تواند مشارکت اقتصادی میلیون‌ها فرد دارای معلولیت را تهدید کرده و دستاوردهای سال‌های پس از همه‌گیری کرونا را تضعیف کند



کل جمعیت فعال این کشور را در برمی‌گیرد. این جمعیت گسترده، نه یک اقلیت حاشیه‌ای، بلکه بخشی قابل توجه از نیروی بالقوه بازار کار محسوب می‌شود. از میان آنان، برآوردها حاکی از آن است که حدود ۵.۶ میلیون نفر در حال حاضر شاغل‌اند و در بخش‌های گوناگون اقتصاد فعالیت می‌کنند. به بیان دیگر، میلیون‌ها نفر از افراد دارای معلولیت نه‌تنها مایل به مشارکت در اقتصاد هستند، بلکه در عمل نیز سهمی واقعی در تولید و خدمات دارند.

با این حال، بررسی دقیق‌تر شاخص‌های بازار کار تصویری نگران‌کننده ارائه می‌دهد. نرخ بیکاری در میان افراد دارای معلولیت به ۹.۲ درصد رسیده است؛ رقمی که بیش از دو برابر نرخ بیکاری در میان افراد غیرمعلول، یعنی حدود ۴.۴ درصد، برآورد می‌شود و در عین حال بالاترین سطح خود در شش سال گذشته به شمار می‌آید. چنین فاصله‌ای نشان می‌دهد که مسیر ورود و ماندگاری در بازار کار برای این گروه همچنان با موانع جدی همراه است. این آمار در مجموع حکایت از واقعیتی تلخ دارد: بازار کار بریتانیا نه‌تنها در گشودن درهای اشتغال به روی بسیاری از معلولان کامیاب‌نموده، بلکه در حفظ موقعیت شغلی آنان نیز با دشواری‌های قابل توجهی روبه‌روست.

بحران پنهان مشاغل منقطع

تحلیل تازه بنیاد کار (Work Foundation) از داده‌های پورتال رسمی اشتغال دولت بریتانیا با عنوان Find a Job، تصویری هشداردهنده از وضعیت فرصت‌های شغلی منقطع ارائه می‌دهد. این بررسی که آگهی‌های ثبت‌شده میان دسامبر ۲۰۲۴ تا ژانویه ۲۰۲۵ را تحلیل کرده، نشان می‌دهد از میان نزدیک به ۹۵ هزار فرصت شغلی منتشرشده، سهم مشاغلی که امکان دورکاری کامل را فراهم می‌کنند به کمتر از یک درصد، یعنی حدود ۰.۶ درصد، کاهش یافته است. حتی مشاغل ترکیبی که بخشی از کار را به‌صورت حضوری و بخشی را از راه دور امکان‌پذیر می‌کنند نیز سهمی بسیار محدود دارند و تنها ۳.۲ درصد از کل آگهی‌های شغلی را به خود اختصاص داده‌اند. این ارقام در حالی ثبت شده که برای بخش بزرگی از جویندگان کار دارای معلولیت،

دسترسی به کار از راه دور نه یک امتیاز اضافی، بلکه شرطی اساسی برای ورود به بازار کار است. برآوردها نشان می‌دهد بیش از ۸۰ درصد از این افراد، امکان دورکاری را در جست‌وجوی شغل جدید «ضروری» یا «بسیار مهم» ارزیابی می‌کنند.

بن هریسون، مدیر بنیاد کار در دانشگاه لنکستر، در گفت‌وگو با رادیو LBC تأکید می‌کند که مسئله پیش‌رو صرفاً یک خطر آینده نیست، بلکه بحرانی است که هم‌اکنون در حال شکل‌گیری است. به گفته او، با افزایش رقابت برای فرصت‌های شغلی و رسیدن نسبت بیکاران به حدود ۲.۶ نفر برای هر موقعیت، احتمال گرفتار شدن جوانان و افراد دارای معلولیت در چرخه بیکاری طولانی‌مدت بیش از دیگران است.

پاسخ‌های سیاستی دولت بریتانیا

در برابر این تحولات نگران‌کننده، دولت بریتانیا تلاش کرده است نشان دهد که نسبت به چالش‌های نوظهور بازار کار بی‌تفاوت نیست. در بهمن‌ماه ۱۴۰۴ (فوریه ۲۰۲۶)، دولت فرایندی از «گفت‌و شنود عمومی» یا Public Consultation را با عنوان «به کار گرفتن دستمزد: بهبود دسترسی به کار منقطع» آغاز کرد؛ ابتکاری که هدف آن بررسی راه‌های تقویت دسترسی کارکنان به الگوهای کاری انعطاف‌پذیر و کاهش موانع پیش‌روی گروه‌هایی است که حضور در محیط‌های اداری سنتی برایشان دشوارتر است. پیتز کایل، وزیر بازرگانی، در مقدمه این سند تأکید می‌کند که انعطاف در زمان و مکان کار می‌تواند نقشی تعیین‌کننده در ایجاد تعادل میان زندگی حرفه‌ای و زندگی شخصی ایفا کند. به گفته او، چنین سیاستی نه‌تنها به ارتقای رفاه کارکنان کمک می‌کند، بلکه می‌تواند بخشی از موانع ساختاری پیش‌روی افراد دارای معلولیت را نیز کاهش دهد و به مراقبان و والدینی که مسئولیت نگهداری از دیگران را بر عهده دارند امکان دهد در عین ایفای این نقش‌ها، در بازار کار فعال باقی بمانند.

یکی از مهم‌ترین محورهای این طرح، پیش‌بینی اجرای «آزمون معقولیت» از سال ۲۰۲۷ است؛ سازوکاری که بر اساس آن کارفرمایان موظف خواهند بود درخواست‌های منطقی و عملی برای کار منقطع را با دقت بررسی

دوراهی تغییر و تداوم

با تصویب قوانین جدید ممکن نخواهد بود. موفقیت واقعی مستلزم نگاهی جامع و چندلایه است: از اجرای مؤثر ابزارهایی مانند «آزمون معقولیت» و نظارت دقیق بر پایبندی کارفرمایان، تا توانمندسازی کسب‌وکارهای کوچک، مقابله ساختاری با شکاف دستمزد و مبارزه بی‌امان با تبعیض‌های آشکار و پنهان.

مهم‌تر از همه، این مسیر نیازمند کنار گذاشتن پیش‌فرضی ریشه‌دار اما نادرست است: این تصور که مشکل، «بی‌میلی به کار» در میان معلولان است. واقعیت آن است که مانع اصلی، ناتوانی بازار کار در تطبیق‌پذیری و فراگیر شدن است. تازمانی که این ناتوانی برطرف نشود، میلیون‌ها استعداد، تجربه و نیروی انسانی همچنان پشت درهای بسته ادارات باقی خواهند ماند؛ ظرفیتی عظیم که نادیده گرفتن آن،

پژوهش



از نفت تاتراشه: شوک جهانی تنگه هرمز

بسته ماندن احتمالی تنگه هرمز می‌تواند پیامدهایی بسیار فراتر از اختلال در بازار نفت داشته باشد و زنجیره‌های حیاتی تأمین جهانی از تولید مواد شیمیایی و فلزات گرفته تا نیمه‌رساناها و حتی امنیت غذایی را تحت فشار قرار دهد. «گوراب چاکرابارتی» تحلیلگر هندی بازار نفت در یادداشتی در شبکه X هشدار داده است که تمرکز صرف بر صادرات نفت، تصویر کاملی از اثرات چنین رخدادی ارائه نمی‌دهد.

به گفته او، بسیاری از تحلیل‌ها درباره بسته شدن تنگه هرمز تنها به توقف جریان روزانه حدود ۲۰ میلیون بشکه نفت خام توجه دارند، در حالی که پیامدهای این اختلال به مراتب گسترده‌تر است. چاکرابارتی می‌نویسد اگر این مسیر حیاتی حمل‌ونقل دریایی برای مدتی مسدود شود، جهان نه‌تنها با شوک عرضه در بازار انرژی مواجه می‌شود، بلکه جریان مواد اولیه‌ای که برای تولید طیف وسیعی از کالاهای صنعتی ضروری هستند نیز دچار وقفه خواهد شد.

او توضیح می‌دهد که حدود ۹۲ درصد گوگرد جهان به عنوان محصول جانبی فرآیند پالایش نفت و گاز تولید می‌شود. از این رو، کاهش قابل توجه پالایش و صادرات نفت در صورت اختلال در تنگه هرمز می‌تواند عرضه جهانی گوگرد را نیز تحت تأثیر قرار دهد. گوگرد ماده اولیه تولید اسید سولفوریک است؛ ترکیبی که از آن به عنوان پرمصرف‌ترین ماده شیمیایی صنعتی در جهان یاد می‌شود و نقش اساسی در بسیاری از فرآیندهای تولیدی دارد.

به گفته این تحلیلگر، اسید سولفوریک در استخراج و فرآوری فلزاتی مانند مس و کبالت کاربرد گسترده دارد؛ فلزاتی که برای ساخت زیرساخت‌های الکتریکی، ترانسفورمورها و باتری‌های خودروهای برقی ضروری هستند. این ماده همچنین در تولید برخی مواد مورد استفاده در صنعت نیمه‌رسانا به کار می‌رود و از این رو هرگونه اختلال در عرضه آن می‌تواند به طور غیرمستقیم بر زنجیره تولید تجهیزات الکترونیکی و مراکز داده نیز اثر بگذارد.

چاکرابارتی در بخش دیگری از تحلیل خود به پیوند میان این گلگاه انرژی و صنعت تاتراشه اشاره می‌کند. به گفته او، قطر بخش قابل توجهی از گاز طبیعی مایع‌شده مورد نیاز تایوان را از طریق تنگه هرمز صادر می‌کند؛ کشوری که یکی از مراکز اصلی تولید نیمه‌رسانا در جهان به شمار می‌رود. او می‌نویسد حدود ۳۰ درصد از واردات LNG تایوان از قطر تأمین می‌شود و ذخایر گاز این کشور تنها برای حدود ۱۱ روز مصرف کفایت می‌کند. در چنین شرایطی، هرگونه وقفه طولانی در مسیر صادرات انرژی می‌تواند تولید برق در تایوان را با چالش جدی مواجه کند. این مسئله به ویژه برای شرکت تایوانی TSMC اهمیت دارد؛ شرکتی که نزدیک به ۹۰ درصد از تراشه‌های پیشرفته جهان را تولید می‌کند و به تنهایی حدود ۸.۹ درصد از کل برق مصرفی تایوان را به خود اختصاص می‌دهد. در نتیجه، اختلال در تأمین انرژی می‌تواند به سرعت به کاهش ظرفیت تولید در یکی از مهم‌ترین حلقه‌های زنجیره فناوری جهانی منجر شود. بسته شدن تنگه هرمز تنها بازار انرژی و فناوری را تحت تأثیر قرار نمی‌دهد، بلکه می‌تواند امنیت غذایی جهان را نیز تهدید کند.

به گفته گوراب چاکرابارتی، حدود یک‌سوم خوراک مورد نیاز برای تولید کودهای نیتروژنی جهان از این مسیر عبور می‌کند؛ در حالی که کشاورزی مدرن و تأمین غذای نزدیک به نیمی از جمعیت جهان به استفاده از نیتروژن مصنوعی وابسته است.

چالش‌های زیربنایی

برای بسیاری

از افراد دارای

معلولیت،

دورکاری نه

یک مزیت

شغلی بلکه

شرط اصلی

حضور در بازار

کار است؛

شرطی که با

کاهش مشاغل

منقطع بیش

از پیش‌در

معرض تهدید

قرار گرفته

است